هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



مشکلات کشور ما خیلی فراوان است، حل این مشکلات، به همکاری همهٔ گروه ها و احزاب نیاز دارد، ما باید بکوشیم، در برابر حرکت های که در بین اقوام کشمکش ایجاد می کند متحدانه مقابله کنیم.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم -سال دوازدهم – شمارهٔ چهلم ۲۸ جدی ۱۳۹۲ ۱۶ربیع الاول ۱۴۳۵- 18 January 2014

راه صلح، راه باز و روشن است

آماده گی آقای حکمتیار برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری!

□ **همنوا**

راه صلح، راه بزرگ و پر رهرو است. همه انسان ها و بخصوص مسلمان ها به صلح و دعوت های فراوان برای صلح لبیک می گویند. این دعوت خدایی است و قلب هر مسلمان بیدار و آگاه برای رسیدن به صلح و امنیت در حال تپش است.

کشورهای جنگ زده و آسیب پذیر از حملات شورشیان و بلاهای انتحار و انفجار، بیش از هر کشور دیگر، آرزوی صلح و امنیت را دارند و برای آمدن فضای صلح، لحظه شماری می کنند... مردم مسلمان و درد دیدهٔ ما نیز در آرزوی صلح و امنیت بسر می برند و به تمام کسانی که در راه صلح و آرامش، خلل ایجاد می کنند، دعای هدایت و اصلاح می نمایند.

تصورات گوناگون در مورد صلح

با آنکه مردم افغانستان از رویداد های ناگوار به تنگ آمده و بیش از دیگران برای صلح، آرزو و تمنا دارند ولی این که کدام صلح و با چه شرایطی؟ فقط برای عده ای از افغان ها مهم و قابل بحث است! جنگ میان دو طرف درگیر و در شرایطی که هر دو طرف برای صلح آمادگی نشان بدهند، بهترین شکل و صورت آن است. زمانی که طرف ها، جهت های مسلمان باشند، بدون شک به ندای صلح پاسخ مثبت می دهند. چون خداوند متعال می فرماید:

هر گاه دو گروه از مسلمانان که برای قتال در برابر یکدیگر قرار گرفته اند، آنان را برای صلح دعوت دهید ورنه با گروه جنگ طلب و متجاوز بجنگید و آن را برای صلح آماده سازید. برخی ها شک و تردید دارند که در کشور ما افغانستان، گروه طالبان، هرگز و هرگز برای صلح آماده نمی شوند و با انفجار و انتحار، جان صدها افغان را می گیرند و آنهم فرمانددهان معروف جهادی و به یقین که افراد جمعیت اسلامی را نشانه می گیرند و یکی پی دیگری به شهادت می رسانند! پس صلح با این گروه به چه معنی است؟

ص۲

بازگشت همه بسوی اوست

انا لله و اِنا الیه راجعون

با تأسف فراوان اطلاع یافتیم که مولوی محمد ظریف، یکتن از فرماندهان جمعیت اسلامی افغانستان، به اثر بیماری ای که داشتند، به جوار رحمت الهی شتافته اند، و جنازهٔ ایشان در ولسوالی گوسفندی ولایت سرپُل به خاک سپرده شده است.

مرحوم مولوی محمد ظریف یکتن از مؤسسین جمعیت اسلامی در ولایت سرپُل بود، در زمان جهاد به حیث آمر ولایتی در ولایت جوزجان ایفای وظیفه نموده اند، و هم‌چنان دراین اواخر ریاست شورای عالی صلح را در ولایت سرپُل به عهده داشتند. مرحوم مولوی محمد ظریف هم در دوران پر افتخار جهاد و هم در شرایط فعلی یکی از شخصیت‌های مهم و تأثیر گذار بودند و همیشه در راستای هدف والا و تعهد خود حرکت می‌کردند و در این زمینه از هیچ تلاشی فروگذار نکرده اند. بدون شک درگذشت ایشان در این شرایط برای جمعیت اسلامی افغانستان یک ضایعهٔ بزرگ به شمار می‌رود.

جمعیت اسلامی افغانستان مراتب عمیق تسلیت خود را به بازماندگان و همسنگران ایشان عرض نموده، برای مرحومی از بارگاه پروردگار منان بهشت برین خواهان است.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

صلاح الدین ربانی
رئیس جمعیت اسلامی افغانستان
و رئیس شورای عالی صلح

ورزش افتخارات کسب می کند اما سیاست چه؟



نذرالله عنایت

سال ۲۰۱۳ یک سال پر افتخار برای ورزش افغانستان بود. در این سال ورزشکاران افغانستان در بخش های مختلف به پیشرفت های چشم گیر نائل شدند. طی روزهای اخیر ورزش فوتبال جایزه بازی جوانمردانهٔ فیفا را نصیب شد.

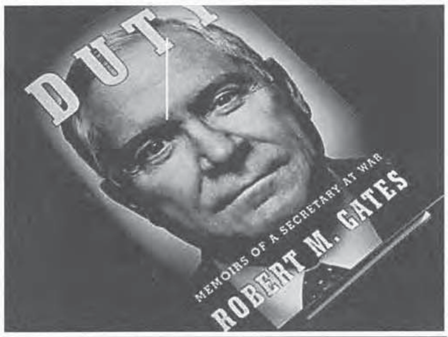
برای به دست آوردن این جایزه کشور ها و انجمن های زیادی نامزد بودند، مگر شرایطی را که فوتبال کشور داشت، چانس بیشتر را در ربودن جایزهٔ بازی جوانمردانه داد و نسبت به دیگران افغانستان را پیشگام تر ساخت. ورزش در کشور در جریان چند سال اخیر پله های ترقی را پیموده است. این که چگونه ما توانستیم به این پیروزی ها و افتخارات دست رسی پیدا کنیم، عوامل گوناگون در آن نقش دارند.

فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) در توضیح علت اعطای جایزه بازی جوانمردانهٔ سال ۲۰۱۳ به فدراسیون افغانستان نوشته است؛ "فوتبال افغانستان در یک سال گذشته با توجهٔ ویژه به فوتبال پایه، ساختن زیرساخت‌های برای توسعهٔ فوتبال در سراسر کشور و همچنین راه اندازی لیگ حرفه ای فوتبال با وجود اثرات باقی‌مانده از یک دهه جنگ گام های مهمی در توسعهٔ این ورزش برداشته است."

کرام الدین کرام، رئیس فدراسیون فوتبال کشور در مراسم

ص۳

خاطرات یک وزیر جنگ



□ **ابوبکر سبزوار**

یکی از عادت های دولت مردان در جهان غرب بخصوص امریکا اینست که بسیاری از کسانی که به مقامی برگزیده می شوند، از همان آغاز کار تصمیم می گیرند تا خاطرات خود از دوران کار خویش را بنویسند و زمانی که از کار کناره می گیرند، آنرا به شکل کتاب منتشر سازند.

«ماموریت- خاطرات یک وزیر جنگ» خاطرات رابرت گیتس وزیر دفاع سابق امریکاست که از دسامبر سال ۲۰۰۶ تا جولای ۲۰۱۱ وزیر دفاع بود. وی در این کتاب به مسایل مهم در رابطه با استراتژی قصر سفید بخصوص در مورد افغانستان و پاکستان پرداخته است. در بخشی از این کتاب در مورد افغانستان آمده است که اوباما اعتماد خود نسبت به استراتژی نظامی اش در افغانستان را از دست داده بود. مطالب مندرج دراین مورد موجب شد تا باراک اوباما شخصاً عکس العمل نشان دهد و از راهبرد نظامی خود در قبال افغانستان به دفاع برخیزد.

ص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

نگرانی های ۲۰۱۴ و امیدواری ها

چند سال است که نگرانی های شدید پس از ۲۰۱۴، تشویش و دلهره در دل شهروندان کشور ما راه باز نموده، این نگرانی ها را برخی نهادهای بین المللی و داخلی نیز قوت بخشیده اند که در عرصه های گونه گون امنیتی، اجتماعی و اقتصادی اثر گذاشته است.

انتقال مسوولیت های امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای افغان، خروج نیروهای خارجی که به منظور مبارزه با تروریسم به افغانستان آمده بودند، انتقال قدرت سیاسی کشور که با راه اندازی انتخابات بمیان می آید، هشدار های تشدید حملات از سوی مخالفان مسلح دولت، از جمله نگرانی ها و چالش هایی فرا راه کشور و مردم افغانستان می باشد که دولت فعلی باید با این چالش های سر راه ایستادگی نماید و کشور و مردم را از نگرانی هایی که نمی توان از آن چشم پوشید، نجات دهد.

سرانجام چرخ گردون ما را به ۲۰۱۴ آورد. در سپری کردن روز هجدهم ماه اول این سال هستیم اما دو رویداد مهم در اوایل این سال، که سال پرحادثه در افغانستان خوانده شده، را فال نیک می گیریم:

یک- رو آوردن به حالت مدنی آقای حکمتیار رهبر حزب اسلامی در یک موضعگیری بی سابقه، که هفتهٔ گذشته از هوادارانش خواسته است تا در انتخابات ۱۶ حمل ۱۳۹۳ اشتراک نمایند. " کارت رأی بگیرید و در انتخابات شوراهای ولایتی شرکت کنید. نامزدهایی را انتخاب کنید که یا منسوب به حزب اسلامی باشند یا در مورد حزب نظر مثبت داشته باشند و از پیروزی نامزدهای بد جلوگیری کنید."

دو- جایزهٔ فوتبال جوانمردانهٔ سال ۲۰۱۳ میلادی (فیفا) یا فدراسیون بین المللی فوتبال، که با تکمیل کردن معیار های فدراسیون جهانی، برای نخستین بار در تاریخ ۹۰ سالهٔ فوتبال کشور، این جایزه دوشنبه شب هفتهٔ گذشته (۲۳ جدی ۱۳۹۳) در سویس به نماینده گی از مردم افغانستان به رئیس فدراسیون فوتبال کشور اهدا گردید.

جمعیت اسلامی افغانستان این موفقیت را به مسوولین تربیت بدنی و المپیک، به ورزش کاران کشور و مردم افغانستان مبارکباد می گوید و موفقیت های مزید را در تمام عرصه ها آرزو می نماید. این پیروزی علاوه از اینکه افغانستان را در سطح جهان به معرفی گرفت، توانست لبخند و احساس غرور را در بین مردم رنج دیدهٔ ما به ارمغان آورد.

شهروندان کشور ما که صدمه دیدهٔ جنگ و نا امنی اند، سالهاست برخی هموطنان ما از این ناحیه رنج می برند و اثرات ناگوار آن را در تمام عرصه ها به چشم سر مشاهده می نمایند و طعم تلخ جنگ و نا امنی را چشیده اند، جمعیت اسلامی از مخالفان مسلح دولت دلسوزانه می طلبد تا از جنگ و مخالفت دست بکشند، به پروسهٔ صلح بپیوندند و در آبادانی و توسعهٔ کشور سهیم گردند. زیرا جنگ را گره کشای راه حل قضایای کشور نمیداند.

راه صلح، راه باز و روشن است

ادامه از صفحهٔ اول

صلح امر خداوندی است: خداوند بزرگ ما را بر صلح امر می نماید و باید میان مسلمانان و گروه های مسلمان، به جای جنگ و کشمکش، صلح و امنیت بر قرار باشد... پس صلح، امر خداوندی و یک امر شرعی است. صلح، یک بازی سیاسی و برای یک مرحله نیست و نباید یک دولت یا یک گروه، فقط برای برآورده ساختن اهداف مقطعی خود از صلح سود ببرد!

توضیح یک سوء فهم: برخی ها و بخصوص آنانی که به تلویزیون ها چسپیده و امروز به جای بمباران و گلوله باران مردم، با زبان خون آشام شان، دشمنان قدیم را نشانه می گیرند. و به اصطلاح، تحلیلگران چیز فهم سیاسی!! اند، ادعا می کنند که بلی! صلح خوب است ولی چرا دیروز با ما صلح نمی کردید؟ سربازان و افسران اردو، پولیس و امنیت را شهید می دانید و چرا از دوران ما را شهید نمی دانید؟ و... اصلاً بحث در میان مسلمانان است! ما امروز جمهوری اسلامی افغانستان داریم که قانون اساسی آن را نمایندگان منتخب مردم تصویب و به توشیح رئیس ادارهٔ انتقالی رسیده است. در این قانون دین مقدس اسلام، دین دولت معرفی و قبول شده است، هیچ قانونی مخالف اصول اسلامی در کشور ما تصویب شده نمی تواند و پس دولت و ملت مسلمان است و یک گروه مسلح مخالف دولت وجود دارد که همه دولت و هم آن گروه مسلح محارب، هر دو مسلمان اند و باید در جهت صلح و برقراری امنیت، تلاش صورت گیرد...

اما صلح در دوران رژیم های کودتایی ضد حقوق بشر و تجاوز بیشرمانهٔ شوروی که یک رژیم غیر قانونی و ضد مردم بود و جهاد مردم افغانستان بر اساس فتوای علمای افغانستان و همه علمای دنیا اسلام صورت گرفته بود، پس این دو رژیم اصلاً قابل مقایسه نیست و نباید این غلط فهمی رواج داده شود و افکار مردم ساده لوح تخریب گردد... این که می گویند: شوروی یک کافر آمده بود و اکنون چهل و پنج کافر آمده اند... همه از تبلیغات غلط و تباهکن کمونیست های دیروز است.

شوروی که در آن زمان همسایهٔ ما بود و پلان تصرف کشور های همجوار را داشت با تجاوز نظامی و صدور ایدیولوژی کفری به سرزمین ما یورش برده بود و کشور های غربی این دوران با افکار و رژیم های گوناگون اند و حتی کشور ترکیه با جمعیت مسلمان نیز در این ائتلاف بین المللی شامل است و هرگز پلان ها و پروگرام آنان در نصاب درسی مکاتب و پوهنتون ها شامل نیست و نه پروژه های صدور یک ایدیولوژی را دارند...

پس صلح آن زمان، بیان رژیم ملحد و دهری و غیر مردمی با مجاهدان، غیر ممکن بود...

حزب اسلامی و آقای حکمتیار: ما فقط یک حزب را به نام حزب اسلامی افغانستان به رسمیت می شناسیم که در وزارت عدلیه ثبت و تحت رهبری آقای عبدالهادی ارغندیوال قرار دارد. در این حزب افراد مهم و مشهور حزب اسلامی دوران جهاد حضور دارند و این حزب با جمعیت اسلامی پیمان همکاری و همگانی را امضاء کرده و به سوی وحدت کامل در حرکت است... هر دو حزب (جمعیت و حزب) کاندیدای مشترک برای انتخابات ریاست جمهوری دارند و دکتور عبدالله عبدالله را پسندیده اند. معاون اول او انجنیر محمد خان از حزب اسلامی و محمد محقق رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان، معاون دوم آن است. پس حزب اسلامی افغانستان، در شرایط حاضر همین جزب است.

تا جایی که ما از افراد حزب اسلامی شنیده ایم، افرادی که به پاکستان رفته اند و برگشته اند از آقای حکمتیار نقل قول می کنند که حزب اسلامی کار نیک و خوب کرده که با جمعیت اسلامی اتحاد کرده است... پس وحدت گام به گام دو حزب یاد شده، طرف تایید آقای حکمتیار نیز است...

خبر خوب و خوش آیند: اما آقای حکمتیار یک نام معروف در افغانستان است و به هیچ صورتی نمی توان نام و نفوذ او را نادیده گرفت. خبرهای اخیر در مورد آمادگی اطرافیان او برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، یک خبر خوب و خوشانید برای اکثر مردم و راهی به سوی راه باز و روشن صلح در افغانستان است. برخی آقای حکمتیار را رهبر یک شاخهٔ حزب اسلامی می دانند و آمادگی برای شرکت در انتخابات را یک موقف جدید و دور از انتظار، وانمود می کنند! اما مواقف دایم او بیانگر تحولات عمیق و باور نکردنی در گذشته بوده و از جمله:

– در سال های جهاد، همه تنظیم ها را متهم می کرد که گویا تلاش دارند تا با فراکسیون های رژیم دست نشانده، دست به کودتا بزنند و او فقط خود و گروه خود را صد در صد اسلامی و خواهان حکومت صد در صد اسلامی وانمود می ساخت... و اما دیده شد که در کنار فراکسیون خلق رژیم حاکم قرار گرفت و در کنار شهنواز تنی علیه رژیم قیام کرد!!

–در دوران حکومت مجاهدین، اعلام می کرد که شهید استاد ربانی و احمد شاه مسعود برادر مجاهد من است و من فقط علیه ملیشه های دوستم و بقایای کمونیست ها می جنگم... اما روزی با دوستم ائتلاف کرد و شورای هماهنگی را تشکیل داد!!

– او حکومت مجاهدین را گاهی آلهٔ دست پاکستان!! و گاهی ایران و روسیه و هند قلمداد می کرد ولی شهید استاد فرید را بحیث صدراعظم معرفی داشت!! بعد ها خودش به حیث صدراعظم در کنار رئیس جمهور (شهید استاد ربانی) قرار گرفت!!

سیاستمدار! : زمانی که ژورنالیست پاکستانی از او پرسید: چرا دیروز علیه ملیشه های دوستم می جنگیدی و امروز همدست و در کنار او هستی؟ حکمتیار در پاسخ گفته بود: من یک سیاستمدار هستم! دیروز آن موقف من درست بود و منافع کشور را بر آورده می ساخت و امروز این موقف من درست است!

نظام غیر شرعی آلهٔ دست خارجی: او نظام موجود را همواره یک نظام غیر شرعی و آلهٔ دست خارجی ها می دانست و در مصاحبهٔ اخیر که از یک تلویزیون ضد ملی و نفاق افگن پخش شد، سفارت امریکا در کابل را همه کاره معرفی کرد و بخصوص در انتخابات! و امروز که آمادگی خویش را برای شرکت در انتخابات اعلام می دارد، گمان نیک داریم که إن شاء الله از عواقب خطرناک روش های غلط گذشته درس گرفته باشد و این بار راهی را برگزیده باشد که به راه باز و روشن صلح می انجامد و این بازگشت او و اطرافیان او را نیک می پنداریم که جامعهٔ مسلمان ما را به سوی وحدت و اتحاد همراهی کند و همه یادها و خاطره های ناگوار گذشته را از صفحهٔ تاریخ کشور، پاک نماید...

راه صلح، راه باز و روشن است اما: عناصر فاسد، ماجراجو و فرصت طلب، نباید از این راه سؤ استفاده نمایند و به خاطر بدست آوردن پول و مقام، به جریان صلح بپیوندند و چند روزی به نام مخالف مسلح جلوه نمایند!

– عناصر نفوذی گروه های مسلح و خرابکار، نباید به جریان صلح راه یابند و مرتکب جنایات سنگین و تاریخی چون شهادت رهبر جهاد و مقاومت و شهادت فرماندهان معروف امروز و دیروز کشور گردند.

راه صلح، نباید بسته شود: کسانی از جمع مخالفان که شاید از دل بخواهند به جریان صلح بپیوندند و درگیر توطئه های استخبارات خارجی اند، و راهی را برای صلح می خواهند پیدا کنند، باید این راه باز باشد و همه کسانی که به خدا و کشور شان ایمان و علاقه دارند، باید به سوی این درِ باز و روشن، رو آورند...

□

یادی از دوره های جهاد



شهید استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت همراه با داکتر عبدالله عبدالله، انجنیر سید احمد روئین، ملا پیرم قل و جمعی مجاهدان در تخار

ورزش افتخارات کسب می کند اما سیاست چه؟



ادامه از صفحهٔ اول

جایزهٔ بازی جوانمردانه گفت: همکاران او در یک سال گذشته همواره روح بازی جوانمردانه را در متن کارهای خود قرار داده اند و دست آورد آن ها در این مدت در سطوح مختلف فوتبال در افغانستان کاملاً مشهود است.

معیاری ساختن فوتبال، ایجاد لیگ برتر که یک روش مسلکی در انسجام ورزش فوتبال شمرده می شود، درخشش در بازی های بین المللی (مسابقات جنوب آسیا منعقدهٔ نیپال و سیف گیم منعقدهٔ لاووس) ایجاد ساختار های توسعهٔ فوتبال و بالآخره میزبانی درست از تیم فوتبال کشور پاکستان، کشوری که در معادلات سیاسی کشیده گی های با ما دارد از مهم ترین عوامل دریافت این جایزه بود. بالاتر از همه تبارز فوتبال با محور استحکام وحدت ملی، ویژه گی هایی بود که افغانستان را به جایزه بازی جوانمردانه رسانید.

فیفاکه چگونگی رشد و انسجام فوتبال و ارزش های را که افغانستان برای کسب این جایزه داشت، در گردهمایی چهره های بارز فوتبال جهان که در شهر زوریخ سویس چندی پیش گرد هم آمده بودند، توضیح داد و بیان داشت که این ورزش چگونه در کشوری که سه دهه جنگ را سپری نموده و با وجود کشیده گی ها، شهروندان این کشور فوتبال را دور از زد و بند های سیاسی و قومی رشد دادند و مؤفقیت شان را در فوتبال به نام کشور شان جشن گرفتند.

از سوی دیگر روحیهٔ ملی و همدیگر پذیری در تیم های ورزشی برای ملتی که جز رنج و درد چیزی دیگری را طی کمتر از نیم قرن تجربه نکرده اند، می تواند محک یک تجربه جدید باشد. در همین حال رویکرد به ورزش نه تنها یک نیازی بدنی و عاطفی به شمار می رود بلکه، نیاز اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی نیز شده است. حالا که افغانستان به دلایل جنگ ها و عوامل دیگر کشوری عقب مانده معرفی شده است، جوانان ما مصمم اند این ضعف و خلا را از طریق رویکرد ورزشی جبران کنند. چیزی که متأسفانه سیاستمداران ما نتوانستند مانند ورزش بدرخشند صفحات نیک نامی را ثبت تاریخ نمایند.

جوانان ما فهمیدن که دیگر مردم دنیا ما را نباید از طریق پدیده های زشت مانند تریاک و ترور که دست بیگانه ها و باندهای مافیا در عقب آن ها دخیل است بشناسند، بلکه از طریق کسب قهرمانی ها و افتخارات دنیای ورزش شناسایی نمایند.

یکی از مهمترین رخ دادهای بازی‌های دوستانه در سال ۲۰۱۳، میان افغانستان و پاکستان همسایهٔ جنوبی مان بود که پس از ۱۰ سال انجام شد. در جریان سال جاری خورشیدی تیم ملی فوتبال کشور نتیجهٔ بازی را با سه بر صفر در حضور هزاران تماشاگر مرد و زن بُرد و شهد پیروزی را به کام مردمی که چشمان شان به سوی آنان با امید زیاد دوخته شده بود، ریخت. قرار است بازی برگشت این رقابت در ماه مارچ میلادی همین سال در لاهور پاکستان برگزار شود.

در تاریخ ۹۰ سالهٔ فوتبال کشور برای اولین بار بود که فوتبال ما مؤفق به کسب جایزهٔ جوانه مردانه از سوی فیفا شده است. ازبیکستان در سال ۲۰۱۲ موفق به کسب جایزهٔ فوتبال جوانمردانهٔ سال فیفا شده بود. فوتبال افغانستان در سال گذشتهٔ میلادی با قهرمانی در جنوب آسیا، دست آوردهای زیادی داشت. این تیم توانست رتبهٔ ۱۲۹ را در رده بندی جهانی فیفا به دست آورد. فیفا این دستاورد فوتبال را از سال ۱۹۹۳ تاکنون در تاریخ فوتبال کشور بی‌سابقه خوانده است.

گرفتن جایزهٔ جوانمردانه و قهرمانی تیم ملی فوتبال کشور در مسابقات جنوب آسیا، دست آوردهای ورزشکاران فدراسیون کرکت کشور از مهم ترین رخدادهای ورزشی سال ۱۳۹۲ بود.

ورزش مهم ترین نتایج را که به بار آورد و خیلی هم محسوس بود، این بود که احساس شادی در چهره های مردم، امید به آینده، غرور ملی، افتخار به کشوری به نام افغانستان، همبستگی ملی و فراموش کردن خط کشی‌های سیاسی، منطقه ای، نژادی و قومی بود که در سیمایی شهروندان دیده شده است. به امید پیروزی ها و کسب افتخارات بیشتر در تمام عرصه ها به ویژه در بخش ورزش.

در همین حال کریستیانو رونالدو به خاطر دریافت جایزهٔ بهترین بازیکن جهان در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ از رقبای اصلی اش چون لیونل مسی و فرانک ریبری سه نامزد نهایی دریافت این جایزه، توانست پیشی بگیرد و این جایزه را از آن خود بکند. ستارهٔ پرتگالی باشگاه رئال مادرید در فصل گذشته و در ۵۶ بازی برای باشگاه رئال مادرید و تیم ملی کشورش ۶۶ گول به ثمر رسانده است. توپ طلای افتخاری فیفا هم در این مراسم به اسطورهٔ فوتبال برزیل یعنی پله اهدا شد.

به امید روزی که تیم ملی فوتبال افغانستان جوایز مانند (بهترین بازی کن سال و توپ طلای افتخاری فیفا) را از آن خود بکنند.

خاطرات یک وزیر ...

مسئلهٔ انتخابات سال ۲۰۰۹ افغانستان و دخالت قصر سفید در آن از جمله مسایلی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. در بخشی از کتاب ادعا شده که آمریکا تلاش کرد حامد کرزی را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ از قدرت کنار بزند و ریچارد هالبروک نمایندهٔ خاص امریکا در افغانستان و پاکستان و نیز سفیر امریکا در افغانستان کارل ایکن بیری به همین منظور تلاش نمودند تا انتخابات را به دور دوم کشانده شود. آقای گیتس این تلاش را "توطئهٔ خام و ناکام" توصیف کرده است. این درحالیست که در آن زمان قصر سفید هرگونه مداخله در پروسهٔ انتخابات افغانستان را رد کرده بود.

وی همچنان مدعی شده که اوباما به ژنرال دیوید پتریوس، فرماندهٔ نظامی آمریکا در افغانستان، اعتماد نداشته و علاقه‌ای هم به حامد کرزی، رئیس جمهوری این کشور نداشته است. به امید کنار زدن کرزی بود که هالبروک از رقبای کرزی در انتخابات حمایت می کرد.

گیتس نوشته است که «در ماه مارچ ۲۰۱۱ در یک جلسهٔ مهم اشتراک داشتم که اوباما با عصبانیت در مورد ماموریت افغانستان سخن می گفت. اوباما نسبت به عملکرد جنرال دیوید پتریوس ابراز تردید نمود و از وی پرسید که آیا می تواند با حامدکرزی همکاری کند؟ من فکر کردم که اوباما به فرمانده که خودش انتخاب کرده بی اعتماد بوده و همچنین حامدکرزی برایش غیرقابل تحمل است، به استراتژی خودش باور ندارد و جنگ افغانستان را جنگ خودش نمی داند. او فقط در اندیشهٔ اینست که چگونه و بسرعت از افغانستان خارج شود.

به نوشتهٔ آقای گیتس، آقای اوباما که دستور اعزام سی هزار نیروی نظامی بیشتر را به افغانستان داده بود، تحت تاثیر نفوذ دستیاران غیرنظامی‌اش درباره این تصمیم دچار تردید شده بود.

افشاگری های رابرت گیتس نشان می دهد که حامدکرزی چرا به امریکائی ها اعتماد نداشت. زمانی که کرزی مدعی شد خارجی ها در انتخابات افغانستان مداخله کردند، رسانه های وابسته به امریکا در کابل علیه این سخنان وی موضع گرفتند و اینکه حامدکرزی شرط امضای توافق نامهٔ امنیتی با امریکا را انتخابات شفاف عنوان کرده است، با توجه به تجربهٔ گذشتهٔ وی از انتخابات ریاست جمهوری است. گیتس نوشته است که همه چیز بسیار زشت بود؛ دامن همکار ما، رئیس جمهوری افغانستان لکه دار شد و دستان ما نیز آلوده گردید.

در این رابطه دو تن از مسوولین سابق کمیسیون انتخابات، آقایان لودین و نجفی نیز سخنان رابرت گیتس را در رابطه به مداخلهٔ امریکا در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ تائید می کنند. داکتر لودین مدعی شد که امریکائی ها می خواستند بعد از انتخابات، حکومتی متشکل از ائتلاف کاندیدا ها بمیان آورند اما چون این کار مخالف قانون اساسی بود، من با آن مخالفت کردم و کرزی را بعنوان رئیس جمهور اعلام نمودم.

تصویری که از روابط میان امریکا و پاکستان در این کتاب منعکس گردیده نشان از بی اعتمادی به همدیگر دارد. گیتس به این باور است که توجهٔ امریکا به جنگ علیه تروریسم متمرکز بود در حالی که پاکستان می خواست تا نفوذ خود را در افغانستان گسترش ببخشد. به همین دلیل به هیچ قیمت حاضر نبود تا از حمایت طالبان دست بردارد. در این کتاب در مورد عملیات خاص برای کشتن اسامه بن لادن نیز آمده است که این عملیات شکستی برای اردوی پاکستان بود.

کتاب رابرت گیتس که روز چهارشنبه ۱۵ جنوری منتشر شد. نویسنده که خود وابسته به حزب جمهوریخواه است، بر اوباما رئیس جمهور دیموکرات انتقاد دارد اما از جورج بوش که سیاست های غلط وی امریکا و حتی جهان را به بحران کشاند، ستایش می کند. هرچند وی در مراسمی که به مناسبت انتشار این کتاب برگزار شده بود، از کسانی انتقاد کرد که بقول خودش از بخش هائی از کتاب وی که در رسانه ها به نشر رسیده بود استفادهٔ ابزاری نموده اند اما بعضی از مسایل مطرح شده در این کتاب چنان صریح و بی پرده است که نمی توان برای آن توجیهی دست و پا کرد.

په مشرتابه او انسان سازۍ کې د نبوي سيرت ونډه

دويمه برخه

ليکوال: شيخ سالم الصفار
ژباړه: اجرالدين اقبال

ماده پال دولتونه غواړي پر بشري ټولنه د خنګل قانون واکمن کړي او د "ډبرين پېر"په څېر،حق زورورو ته ورکړي .

پيغمبر اکرم د الهي روزنې له امله ستر خوي درلود،تندی يې ورين، پر مؤمنانو لورين او په خپګان او خوشحالی کې يې شريک و او هيلمن و،چې ټول خلک يې پر خدای او رسالت ايمان راوړي او د هغوی نه مسلمانېدو به داسې غمجناوه، چې زړه يې خوړ. په پراخه سينه او ورين تندي يې د خلکو خبرو ته غوږ ايښووه او د خدای په پېرزوېنه يې ښه چلن او خوی جامه وه.

د دولت جوړول يې په جومات جوړولو پيل کړ،چې ((څواک او قانون)) د خدای له عبادت سره يو ځای او د نړۍ ټولو واکمنو او مشرانو ته ښه بېلګه وي،چې د واکمنۍ پر مهال يې مادي اړخ پر الهي اړخ برلاسی نه شي .

او په رښتيا،چې نننی انسان هغو مشرانو او سياستوالو ته اړتيا لري، د خدای حکم او رضا چې تر هر څه وړومبی وګڼي.

د خدای استازي،چې د پوهې سرچينه يې وحې وه او په عبادت غښتلی شوی و،د لاندې چارو له لارې د اسلامي دولت ستنې ټينګې کړې:

۱_ کورنی ټلواله يې تثبيت کړه،چې د هغې ټولنيز او سياسي څواک يې د لاندې سياسي او اخلاقي ګامونو په اخستو پياوړی کړ:

الف : په مدينه کې يې د مسلمانانو (مهاجرو او انصارو) تر منځ تړون وتاړه، چې له مخې يې ټول مسلمانان ((واحد امت)) دی او ټولو مساوي حقوق او دندې درلودې.

ب: له يهودانو سره د سولې،سياسي او پوځي مرستو او پر يو بل د يرغل نه کولو تړون، چې ځان يې له دسيسو دادمن کړي او د دولت بنسټ لا پسې پياوړی کړي؛خو يهودو د خپل عادت له مخې،د تړون درناوی و نه کړ او په خپله يې پر ځانو تنکسه راووسته.

ج: د يوه غښتلي او واحد امت او د دولت د پښو د ټينګولو لپاره يې په مدينه کې د مهاجرو او انصارو تر منځ وروري اعلان کړه،چې دا کار قرآن هم وستايه او په تاريخي کتابو کې له يو بل سره د وروڼه شويو؛ نومونه راغلي او پيغمبر اکرم حضرت "علي" خپل ورور کړ،د "علي" لاس يې په لاس کې ونيو او و يې ويل: ((دا زما ورور دی)) چې خلکو ته ووايي، تر ما وروسته "علي" د مشری وړ دی .

۲_ پيغمبر اکرم د اسلامي دولت د پښو ټينګولو لپاره،لښکر او اردو جوړه کړ،چې په الهي حکم جهاد وکړي. په دې باب قرآن وايي:

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ=(حج/۳۹) پر هغوی، چې جګړه تپل شوې، د جهاد اجازه ورکړ شوې ده؛ځکه تېری پرې شوی،بېشکه خدای



د هغوی د ملاتړ وس لري.

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ=(حج-۴۰) همغوی چې په ناحقه له خپلو کورونو يوازې (له دې امله) شړل شوي،چې وايي: ((زموږ پالونکی الله دی!)) او که خدای په ځينو خلکو د ځينو نورو مخه نه نيولای؛نو صومعې او کليساوې او کنيسې او جوماتونه به چې د خدای نوم پکې ډېر يادېږي ټول نړېدلې وای، او خدای هرومرو له هغه سره مرسته کوي،چې (له دين) سره يې مرسته وکړي، بېشکه خدای ځواکمن ناماتی دی.

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ=(حج/۴۱) دا همغوی دي، چې که موږ يې پر ځمکه واکمن کړو؛ نو لمونځ کوي او زکات ورکوي او پر ښو چارو امر او له بديو منع کوي او د ټولو چارو پای يوازې خدای ته ده.

مناسبه ده ځينو هغو ختيځپوهانو ته ځواب ورکړو،چې ببځايه وايي: اسلام د توري په زور راغلی او په ترهګری او انسان وژنه يې تورنوي.

الف_ د جهاد حکم د اسلام د بلنې په پيل کې وضع نه شو؛بلکې تر اوو کالو تېري او کړاوونو زغملو وروسته تشريع شو.

ب_ دا حکم هغه مهال راغی،چې مکي آيتونه د اسلام دښمنانو ته ګټور نه وو؛ځکه مشرکانو له زړه پرې باور درلود؛خو په خوله ترې منکر وو.

ج : سره له دې،چې جهاد خلک د((غيرالله)) له عبادته ژغوري؛خو بيا هم د اسلام له نظره د کمزوريو د ژغورنې لپاره د حل وروستی لار ګڼل کېږي .

د_ اسلام ته دلې دلې خلک د تبليغ له لارې راننووتل، نه د توري په زور .

حضرت محمد مصطفی صلی الله عليه و آله وسلم؛لکه څنګه چې د خدای استازی و،د خلکو د مشري او د دولت د رياست،د وسلوالو ځواکونو د بولندويی او د قضايي چارو د سمبالنې دنده يې هم پر غاړه وه.

په هغه پړاو کې د وحې او پيغمبر اکرم له لوري فرهنګي فعاليت او سياسي قانون ايښوونه پيل شوه،چې مسلمانان د سياسي ليد خاوندان شي او د دولت،ځواک، سياست، قضا،مشرتابه او نورو سياسي اصطلاحاتو مانا ورته روښانه شي. خدای پيغمبراکرم ته د سياسي،پوځي،اقتصادي او ټولنيزو چارو د مشری ورتيا ورکړې وه؛نو ځکه خدای مسلمانانو ته وويل:

((النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَى أَوْلِيَائِكُم مَّعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا= پيغمبر مؤمنانو ته د هغوی تر خپلو ځانو ډېر وړ (او نږدې) دی او مېرمنې يې د هغوی [=مؤمنانو] مېندې دي او د خدای په کتاب کې (په ميراث کې) تر عامو مؤمنانو او مهاجرينو (خو)ځينې خپلوان يو تر بله لومړيتوب لري؛ خو دا چې (وغواړئ)، له خپلو دوستانوسره ښېګنه وکړئ (او د خپلومالونو يوه برخه ورکړئ)؛دا (حکم) په (الهي) کتاب کې ليکل شوی دی؛پيغمبر پر مؤمنانو تر هغوی وړ او وړمبی دی))

او په بل ځای کې راغلي: ((او که په کومه چاره کې مو شخړه راغله؛نو خدای او رسول ته يې يوسئ))

قرآن د پيغمبراکرم او دوه د منصوبينو لاروي،په آيت تثبيت کړه:

((د ايمان خاوندانو! د خدای،رسول او د چارواکيو (چې د پيغمبر اکرم له لوري ټاکل شوي) لاروي وکړئ))

لنډه اشاره به هغو بې بنسټو خبرو ته وکړو،چې د اسلام دښمنانو په ناحقه پر اسلام ورتپلې دي :

ختيځپوهانو،پخوا د قرآن الهي توب او اسماني توب ته مانه او ادعا يې کوله،چې قرآن د پيغمبر اکرم خپل فکر دی او يا يې ويل چې:((دا هر څه يې له يهودو او مسيحيانو زده کړي دي.))

د اسلام علماوو،چې د قرآن معجزه توب جوت کړ او ورته يې وويل چې: د قرآن په څېر يو آيت راوړئ؛نو دا کار يې و نه کړای شو؛نو پخپلې ماتې يې اعتراف وکړ.

نن يې د "نص" د تفسير خبره را منځ ته کړې او وايي:قرآن د خدای له لوري او اسماني کتاب دی؛خو تفسير او استنباط يې د بشر کار دی او د بشر سر پر اسماني مفاهيمو نه خلاصيږي.

ښايي دا ادعا په هغوی کې د دوو نظرونو د را پيدا کېدو پايله وي:

الف: لاييسم يا د دين او سياست بېلوالی .

ب: بنسټ پالي.

هغوی د خپل عادت او له الهي لار ښوونو د لرې والي له امله، د ديني نصوصو په تفسير کې لالهانده او په زياتي(افراط)او کمي (تفريط)ککړ شول او يو د بل پر خلاف استنباط او تفسير يې رامنځ ته کړ او همدا فکري شخړې ددې لامل ګرځي،چې د استعماري دولتو لاسپوڅي هلې ځلې نورې هم توندې او ګړندی کړي .

دې خبرې ته يې پام نه دی،چې د پيغمبر اکرم سنت،د قرآن آيتونه تفسيروي؛هغه سنت چې خاوند يې د ځاني غوښتنو له مخې خبرې نه کوي او د دين په اړه ټولې خبرې يې د وحي پر بنسټ دي او حلال او حرام يې تر قيامته پر خپل ځای دي.

پيغمبراکرم ببخې پر خدای دروغ و نه تپل. پوه او وسمن خدای په خپل ځواک،د قرآن مفاهيم اسان او پرې د پوهېدو وړ کړل او بيا يې د عربي ژبې په قالب کې راولېږل او که داسې نه وای؛نو ژبې به د قرآن د ويلو وس نه درلود.

<u>د عمومي افکارو درناوی</u>

سره له دې،چې پيغمبر اکرم ته وحې راتلله؛خو د خدای په حکم يې له خلکو سره سلامشوره،د چارو د سمبالښت غوره لار ګڼله.خدای ورته وويل:

((د چارو په سمبالښت کې (له مسلمانانو سره) مشوره وکړه او چې دې هود وکړ؛نو پر خدای توکل وکړه.))

که د اسلام د تاريخ ستري پېښې ولوستل شي؛نو په هغو ځايو کې،چې وحې نه راتله؛نو پيغمبر اکرم له خپلو اصحابو سره مشوره کوله اود سلامشورې درناوی يې کاوه او کله خو به داسې هم کېدل ،چې له خپل نظره به تېر شو او د يارانو نظر ته يې غاړه ايښووه.

<u>قانونسازي</u>

د سمو او مناسبو سياسي،اقتصادي،قضايي،اداري او ټولنيزو قوانينو تدوين او پلي کول،د دولت او د پر مخ تللې متمدنې ټولنې راز دی.

اسلام وايي:((اسلامي ټولنه بايد قانون ولري او د قانون پر بنسټ ولاړه وي))؛نو ځکه په قرآن کې د بشر د اړتياوو له مخې،ټول قوانين يا په تفصيل او يا په ټوليزه توګه راغلي،چې د توضيح او تشريح دنده يې پيغمبر اکرم ته سپارل شوې ده.

د جهاد، قضايي چارو، زکات، خمس، ارث، واده، طلاق، انفاق، له نامسلمانو سره اړيکې، سوداګري او د ټولنيزو اړيکو په اړه آيتونه په مدينه کې نازل شول او پيغمبر اکرم امت ته تشريح کول او احکام يې تطبيقول او د ځينو کړنو د تاييد او د خپلو ويناوو له لارې يې په ځان پسې "نبوي سنت" پرېښوول،چې مسلمانانو ته د "تفقه" او "اجتهاد" سرچينې شي.موږ همدې آيتونو او سنتو ته په رجوع نننې نړۍ ته قوانين تدوينولای شو.

<u>بهرني اړيکې</u>

په اسلامي دولت کې،چې د ځواک چلونې لپاره سياسي،اداري او قانوني بنسټونه جوړ شول؛نو بيا پيغمبر اکرم د ستر عقيدتي او سياسي ځواک په توګه د سولې،خير او د نړۍ د مشرۍ په موخه،د بهرنې نړيوال سياست پر ډګر پښه کېښووه. ستر سياستپوه،خپل کار او ډيپلوماسي،اسلام ته د "روم"،"ايران"،"حبشې" او د عربي سيمو د مسيحي مشرانو د رابللو له لارې پيل کړه.

د نورو دولتو د سفيرانو،د پاچايانو استازيو او د دوی له لوري د راوړل شويو ډاليو منل، پر سمې ډيپلوماسۍ،د پيغمبر اکرم د تاييد نښه ده، چې هغه مهال هم د دولتو ترمنځ دود وه او دا خبره په خپله د اسلامي دولت د بهرنيو اړيکو د اصولو د پخلي او غښتلتيا نښه ده،چې د پيغمبر اکرم دې عمل،اسلامي دولت په نړۍ کې د ستر سياسي ځواک په توګه مطرح کړ،چې په نړيوالو او بهرنيو اړيکو کې پر فکر، پوهه او ثابتو اصولو ولاړ دی.

قرآن او د پيغمبراکرم سنتو ته په کتنه دا واقعيت جوتېږي،چې په اسلامي دولت کې د بهرني سياست چورليځ(محور)،دين ته بلنه او تبليغ د دولت د پياوړتيا لامل دی،چې دولت پر ستر فکري او فرهنګي ځواک بدلوي،چې کولای شي،د نړۍ د مشرۍ دنده پر غاړه واخلي او اسلامي دولت،چې له تبليغ او فرهنګي چار لاس واخست؛نو يوازې به پر اداري سازمان واوړي.

ادامه لري

شارون به جهنم ابدی پیوست



عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

اشغال فلسطین از سوی اسرائیل در سال ۱۹۴۶م و اشغال قسمت های دیگر این سرزمین در سال ۱۹۶۷م، یکی از تراژیدی های بشری در قرن بیست است، که این تراژیدی دامنه اش به قرن بیست و یک نیز کشیده شده است. تراژیدی فلسطین وجدان انسان های آزاده را آرام نمی گذارد. آزاده گان جهان، مبارزان آزادی و حامیان حقوق بشر جنایاتی را که اسرائیلی ها در برابر خلق فلسطین انجام داده اند، نخواهند بخشید.

یکی از چهره های بسیار کریهه و جنایت پیشه در تاریخ اشغال فلسطین، همان چهرۀ نامیمون و انسان دشمن شارون، صدراعظم اسرائیل است که بعد از هشت سال اغماء و بی هوشی، سرانجام از میان رفت، تا حساب خویش را در پیشگاه عدل الهی بدهد. این شارون بود که هزاران فلسطینی را به کام مرگ فرو برد و هزاران دیگر را به زندان افگند. مرگ وی نه تنها در داخل فلسطین با خوشحالی مواجه گردید؛ بلکه سایر کشور های اسلامی و غیر اسلامی، وی را یکی از ناقضان حقوق بشر در قرن بیست به حساب آوردند.

بدترین مرگ آن است که مردم از آن تنفر و انزجار خود را نشان دهند و از آن به نیکی یاد نه نمایند؛ مانند: مرگ هتلر، تره کی، شارون، رهبران صهیونیست، جنایت پیشه گان تاریخ و ..... از قدیم گفته اند که باید انسان ها کریهه ترین چهره های تاریخ خود را بشناسند، تا عبرتی برای آینده گان گردد. از مرگ این جنایت پیشه حتا دوستان زمان زمامداری اش، نیز استقبال نه نمود و بدون آنکه از جنایت های وی چیزی گفته شود، از سوی حامیانش در اسرائیل به جهنم ابدی تحویل داده شد. مرگ شارون بدون شک یک نوع عبرت برای دوستان و حامیان وی خواهد بود.

در کمتر از یک ماه مرگ شارون و ماندلا به وقوع پیوست؛ اما از ماندلا به مثابۀ یکی از مبارزان راه آزادی نام برده شد؛ اما از شارون به مثابۀ یک جنایت پیشه توصیف گردید. به گفته حافظ: ببین تفاوت راه از کجا است تا به کجا. تعدادی از کشور ها، از قساوت و رفتار وحشیانۀ آن در زمان حاکمیتش سخن گفتند و آن را یک وحشی و جنایت پیشه قرن به حساب آوردند. شارون در زمان حیاتش ریکارد جنایت و آدم کشی را به خود اختصاص داده بود. وی تمام برنامه های صلح جویانه را تخریب کرد و هیچ عقب گردی برای خود باز نگذاشت. ساخت و ساز ها و شهرک سازی را در سرزمین های اشغالی فلسطین شدت بخشید. همواره رهبران فلسطین و مقاومت گرانی این سرزمین را مورد هجوم قرار می داد و تعدادی از رهبران فلسطین را به شهادت رسانید. راه های مواصلاتی به ویژه معبر و رفح را به روی خلق فلسطین بست، زنان و کودکان فلسطین را در حصار اقتصادی قرار داد. مردم فلسطین؛ به ویژه غزه و بیت اللحم و غیره مناطق را همه روزه مورد راکت های خود قرار می داد.

ص۷

ایا د سوریې د کیمیایي وسلو په انتقال ددغه هیواد ستونزه هواره شوه؟

زهیر

سوریه د عربي نړۍ له هغو هیوادونو څخه ده چې پکې د سیاسي پوخوالي لامله په تېره پېړۍ کې د نورو عربي هیوادونو په پرتله بعثي کمونستي رژیم خپلې ریښې ټینګې وساتلې او د سړې جګړې پر مهال یې له پخواني شوروي اتحاد سره پخې ملګرتیا، دغه هیواد ته د ځینو نورو خلیجي هیوادونو په څېر د پراخه طبیعي منابعو نه لرلو سره سره هم، سیاسي ثبات او پرمختګ وربخښلی وو؛ حافظ الاسد پداسې حال کې چې د امریکا مخالف واکمن ګڼل کېده خو په سیمه کې یې د هغه اسرائیلي هیواد ګټې تضمین کړې وې چې د امریکا له ملاتړ څخه تل برخمن پاتې شوی دی. او د فلسطین د مسلمان ولس د حقونو په ترورلو کې یې د اردن د ملک حسین او د مصر د انور سادات او بیا وروسته حسني مبارک سره یو ځای شوم مثلث جوړ کړی وو. د حافظ الاسد او عراقي واکمن صدام حسین توپیر پدې کې وو چې د صدام حسین غړمبېده زیات وو خو حافظ الاسد په پټه خوله په سیمه کې د احتمالي ګواښونو د مهارولو او سیاسي مخالفینو د ځپلو په نیت خپل نظامي ځواک پیاوړی ساتلی وو؛ چې د اسلامپالو مخالفینو په ټکولو او سیاسي حقونو څخه په محرومولو کې بیا د دواړو سیاست سره ورته وو؛ دواړو د خپلو مستبدو رژیمونو پیاوړي سیاسي قوت الاخوان المسلمون په ځپلو کې په شلمه پېړۍ کې له نورو عربي هیوادونو له واکمنانو څخه ډېر سخت دریځ وو.

د یوویشتمې میلادي پېړۍ په پیل کیدو سره، له افغانستان وروسته د عراق پسې د ایران او سوریې لپاره هم امریکا د توطیو په جوړولو کې بوخته وه چې په عراق باندې د امریکایي یرغل وروسته هلته د کیمیایي وسلو نه پیدا کېدلو، د امریکا لخوا د احتمالي یرغل هڅې ضعیفې کړې چې د سیمې پدې هیوادونو باندې د یرغل لپاره یې په کار اچولې؛ ځکه امریکا ته په عراق باندې یرغل کې داسې ثبوت په لاس ورنغی چې په عراق خپله حمله توجیه کړي. نو له یوې خوا لدې املـه او لـه بلې خوا د ایران، سوریې او لبنان سیاسي اتحاد هم امریکا ته جرأت نه ورکولو چې د نوبت له مخې په ایران یا سوریه باندې سترګې سرې کړي.

خو د حافظ الاسد د ځوی بشارالاسد د خپل پلار له مرګ وروسته واک ته رسیدلو او په ټوله عربي نړۍ کې د مستبدو واکمنانو په خپلو ولسونو باندې ترسره کړو ظلمونو او د ولسونو یې د ژوند له نعمتونو څخه محرومولو چې کله د عربي پسرلي شرایط برابر کړل نو له تونسه څخه آغاز شوی عربي پسرلی چې په مصر او لیبیا کې یې واکمنان له واکه وغورځول نو په سوریه کې هم د عربي پسرلي څخه په الهام اخستنې د سوریې هغه ولس د بشار الاسد له مستبد بعثي رژیم څخه د خلاصون لپاره عربي پسرلي ته ورګډ شو او دادی نږدې دری کلونه تېر شول خو په سوریه کې ملي پاڅون د دوه وو لاملونو لامله خپل منطقي انجام ته ونه رسیده؛ چې لومړی د بشارالاسد له بعثي رژیم څخه د هغه د سیاسي اتحادیانو په نړیواله کچه او ان تردې نظامي ډګر کې مرسته ده چې د ایران او لبنان سربیره (چې دواړو ورته په نظامي مرستو سربیره بشري جنګي قوت هم ور ولیږه؛ د لبنان حزب الله او د ایران سپاه انقلاب دواړو د بشار الاسد د رژیم مخالفینو پر خلاف جګړه کې تر اوسه برخه اخستې ده) روسیې او چین هم ورته په نړیواله سطحه سیاسي ملاتړ ورکړ چې دادی تر دا مهاله د بشارالاسد د رژیم پر خلاف ترسره شوې د امنیت شورا پریکړه درې ځلې روسیې ویټو کړې ده خو امریکا د خپل زاړه سیاسي حریف (سوریې واکمن رژیم) پر خلاف جګړه کوونکو سوریایي ولس سره یوازې د خولې له ناندریو پرته کوم آغیزمنه مرسته نده کړې؛ چې دا د سوریې د مسلمان ولس د ملي پاځون د ناکامۍ دوهم علت دی او نږدې یوه میاشت وړاندې د سوریې د بشارالاسد رژیم څخه د امریکا د غچ اخستلو غوسه یوازې پدې سره شوه چې کیمیایي وسلې یې له مینځه یوړل شي؛ هغه طرح چې روسیې د خپل سیاسي حلیف (د سوریې واکمن رژیم) د نجات لپاره وړاندې کړه او تېره اونۍ د سوریې د کیمیایي وسلو لومړنۍ قافله په یوه ډنمارکي الوتکه کې له سوریې څخه بار شوه څو بحر ته یووړل شي او هلته بیا په یوه امریکایي بېړۍ کې خالي شي او په بحر کې له مینځه یوړل شي. چې دا عمل هم د نړیوالې ټولنې شکوک راولاړوي؛ ځکه څوک دا باور ورکولی شي چې امریکا به په ریښتیا هم دغه کیمیایي وسلې او زهرجن غازونه خنثی او په بحر کې له مینځه یوسي؟ او آیا کوم بې پرې نړیوال ناظرین پدې پروسه شتون لري؟

آیا د سوریې د کیمیایي وسلو له دغه هیواد څخه انتقال سره او په خنثی کولو او یا بحر کې له مینځه وړلو سره که یې په رښتیا هم ترسره کړي، د سوریې هیواد روان کړکیچ ته د پای ټکی کېښودلای شي؛ دغه کار خو یوازې د سوریې د ولس لرلی نظامي ځواک له مینځه یوړ؛ ځکه دغه قوت خود سوریې هیواد ملکیت دی چې نن به یې بشارالاسد حاکم وي، کیدای شي سبایې ولس د ولسواکۍ له لیارې واکمن وګرځي. او بیا تر څو چې د اسرائیلو غاصب هیواد د دوه وو سوو اتومي سرګلولو لرلو حق لري نو سوریه هم حق لري.

د مستبد رژیم له مینځه وړلو پرته یوازې دا کار ترسره کول خو د سوریې مظلوم ولس ته کوم نجات نه ورکوي!! سوریې واکمن بعثي رژیم که په خپلو کیمیایي او شیمایي وسلو سره له کومو انسانانو څخه ژوند اخستی نو هغه خو ټول څه د پاسه دیارلس سوه کسان دي، پداسې حال کې چې په سوریه کې د دریو کلونو په جګړه کې یو لک او شل زره انسانانو خپل ژوند له لاسه ورکړی دی. او بشارالاسد لا تر اوسه هم د ملکي وګړو له وژلو لاس نه اخلي او نه د جګړې د نړیوالو قوانینو پام ساتي؛ چې له امله یې ورځ تر بلې په ولس نور هم مستبد او ځواکمن ګرځي. خو امریکا یوازې په سوریه کې د مسلمان وژنې ننداره کوي!! که چېرې روسیه د خپل سیاسي حلیف د بقاء لپاره داسې طرح په امریکا عملي کولی شي نو امریکا ته به په نړۍ کې کوم اعتبار پاتې شي چې په هر ځای کې د مظلوم د نجات پر ځای د ظالم د خلاصون لامل ګرځي؟!!



د سپینې ماڼۍ مخې ته د لاریون کوونکو غوښتنه:

((ګوانتانامو وتړئ!))

او د باګرام زندان د بندیانو په سر راپورته شوې غوغا

□ شفیق

((ګوانتانامو وتړئ!)) دا د هغو شلو په شاخوا کې راغونډ شوو سازمانونو غوښتنه وه چې تېره یکشنبه په امریکا کې د سپینې ماڼۍ مخې ته د ګوانتانامو د زندان د دولسو کلونو د تېریدو په مناسبت راجمع شوي وو او دامریکا له واکمنانو څخه یې غوښتل چې باید نور دغه زندان وتړل شي.

ګوانتانامو د کیوبا په خاوره کې د متحده ایالاتو لخوا جوړ شوی هغه زندان دی چې د ترهګرۍ(؟) پر خلاف پیل شوې جګړه کې نېول شوي او یا د دسمبر د یوولسمې پېښې عاملین او د القاعده د نړیوال سازمان مهم غړي پکې ساتل کیږي.

د تېرو دولسو کلونو په دوران کې پدې زندان کې تر اته سوو پورې انسانان د ترهګرو په نوم وساتلی شو چې د اوباما په دوهم ځل واک ته له رسیدلو سره ورڅخه ځینې زندانیان آزاد کړای شو او د خپلې استراتیژۍ د اعلان پر مهال هم اوباما ویلي وو چې دغه زندان به ډېر ژر وتړي. مګر تر دا مهاله هم په ګوانتانامو کې ډېر بې ګناه انسانان بندیان دي؛ چې دا مهال پکې د مختلفو هیوادونو ۱۵۵ وګړي بندیان دي او تر ټولو ډېره شمیره پکې د یمني مسلمانانو ده چې تر نوي پورې د القاعده د غړو په تور باندې دغو زندانیانو کې شتون لري. او په پاتې نورو کې د مصر او شمالي افریقا د هیوادونو د وګړو سربیره افغانان، چچنیایان، ازبک، قفقازیان او ځینې چنیایي مسلمانان هم شامل دي. چې د هغو له جملې څخه دوه اوني وړاندې درې چینایي مسلمانان د چک جمهوریت ته انتقال شوي وو او یوشمیر افغانان هم ورڅخه پدې څوکلونو کې آزاد کړای شوي دي.

د کیوبا زندان چې د امریکا یوشخصي زندان دی او د یو قرارداد له مخې چې د کیوبا هیواد سره شوي، امریکایان هلته هغه څوک بندیان کوي چې د امریکا دښمنان او ورسره جګړه کې ښکېل اوسي؛ پداسې حال کې چې دا عمل د بشرد حقوقو د کنواسیون خلاف دی او د ایمنسټي انټرنیشنل (عفوی نړیوال سازمان) او ځینو نورو نړیوالو سازمانونو لخوا پدې د اندیښنې څرګندونه هم شوې ده او په ډېرو هیوادونو کې د امریکاپدغه عمل نیوکه شویده، چې د هغې یوه عملي بېلګه د ددغه زندان په دولسم کال تیریدوسره د نړۍ په ځینو اسلامي هیوادونو لکه مصر، یمن او ..... کې ددغه ناقانونه زندان د تړلو غوښتنې وشوې. او هم په خپله امریکا کې د

سپینې ماڼۍ مخې ته د نړۍ د شلو په شاخوا کې سازمانونو له خوا د یوې درنې مظاهرې په ترڅ کې ددغه زندان د تړلو غوښتنه رااوچتېدل دا حقیقت څرګندوي چې نړیوال نور د امریکا د خپلسریو تحمل نشي کولای او په ځای ددې چې د داسې زندان ساتل او پکې د ترهګرۍ(؟) مرتکبیونو انسانانو ساتنه، په نړۍ کې ترهګري کمه کړي لا یې نوره هم زیاتوي او دا مهال چې د نړۍ په ګوټ ګوټ کې د نا امنۍ او ترهګرۍ(؟) پېښې رامینځته کیږي یو لامل یې هم د امریکا انتقامي سیاست دی چې د نړۍ د یو قطبي کېدو په نتیجه کې یې ځانته د نړیوالو پولیسو حق ورکړی او خپل هر مخالف ټکوي.

نو ځکه دنړۍ د ډېرو هیوادونو غوښتنه داده چې نور باید دا زندان وتړل شي او له بلې خوا د هر هیواد تبع هغه تورن چې پدې زندان کې ساتل کیږي باید د نړیوالو قوانینو له مخې د جرم د محل د قانون سره سم په هماغه هیواد کې محاکمه شي. پداسې حال کې چې پدې زندان کې ډېرې انسانانو باندې تر اوسه جرم ثابت شوی هم ندی خو بیا هم پکې ساتل کیږي او د هغه ناوړه چلند لامله چې ددغو زندانیانو سره شوی ورڅخه د خلاصیدو وروسته ډېری زندانیان بېرته د امریکا پرخلاف جګړې ته ور دانګي. چې دا پدغه زندان کې د ظلمونو او شکنجو د شتون یو ثبوت ورکوي. همدارنګه د امریکا لخوا د ترهګرۍ(؟) په نوم پیل کړې جګړه کې د اوباما دوه رنګه کردار هم د نوموړي د محبوبیت دګراف کوزیدو یو لامل ګڼل کیږي؛ پداسې حال کې چې اوباما د امریکا د ولسمشرانو په نوملړ کې د جان کینډي او ابراهیم لنکن په څېر محبوبیت لرلو او د جان کینډي څخه هم د جذابې او قوي وینا لرونکی امریکایي ولسمشر وو خو د ګوانتانامو زندان په هکله د رامینځته شوي ځنډ او په افغانستان کې د امریکا د روانې جګړې د ماتې لامله د نوموړي هم د جورج ډبلیو بوش په څېر د محبوبیت ګراف ورځ تر بلې ټیټیږي.

امریکایانو د ګوانتانامو تر څنګه په هیواد کې دننه د باګرام په زندان کې هم بندیان ساتل چې تېر کال د یو لړ مراسمو په ترڅ کې افغان دولت ته د یوې موافقتنامې له مخې دغه زندان وسپارل شو او ورڅخه تر دا مهاله ځینې بندیان آزاد کړای شوي هم دي. پدې لړکې پدې وروستیو کې د شپږ اتیا خاصو بندیانو په دوسیو باندې د غور لپاره د ښاغلي عبدالشکور دادرس په مشرۍ یو کمیسیون ټاکلی شوی څو په دغو بندیانو کې ریښتوني مجرمین او بې ګناه نېول شوي افغانان سره جلا کړي، کوم کار چې نه یوازې د امریکایانو غوغا را پورته کړې او ګڼو امریکایي مقاماتو د ولسمشر کرزي پدې اقدام سخته نیوکه کړې او ادعاء یې کړې چې دغه شپږ اتیا بندیان د شاوخوا شپېتو تنو امریکایانو او اوه پنځوس افغانانو په وژنه کې لاس لري او له دوی سره یې اسناد هم شته، باید چې آزاد نکړای شي؛ پداسې حال کې چې د ټاکلی شوي کمیسیون د څرګندونو له مخې بیا په دوی کې یوازې شپاړس بندیان خطر ناک دي او په جرمونو کې یې د ککړتیا لپاره د الزام ثبوتونه شته او دوه اویا نور یې هغه دي چې د څېړنې په نتیجه کې پرې تر اوسه د کوم جرم د الزام ثبوت نشته دی.

همدارنګه د امریکایانو د ادعاء سره سم ځینو افغانانوهم د افغانانو په پرتله د امریکایانو سره خپله همغږي او خواخوږي ډېره ښودلې او د مدعی سست او ګواه چست د رول په مصداق وایې چې باید د باګرام دغه بندیان هم محاکمه شي. دا سمه ده چې که پدغه بندیانو باندې د جرم د الزام ثبوت موجود اوسي نو باید چې د څارنوالۍ له لیاري تعقیب او د محاکمو له لیارې محاکمه شي خو که د نورو هغو سلګونو او زرګونو افغانانو په څېر بې ګناه اوسي لکه چې امریکایانو د دولس کلونو په دوران کې د غلطو راپورونو پر بنیاد داسې ډېر بې ګناه افغانان د شپې مهال له خپلو کورونو نېولي او په کلونو کلونو یې په زندانونو کې ساتلي او تر اوسه پرې دعواګانې (الزامونه) ندي ترتیب شوي، نو بیا دهغوی آزادول خو نه یوازې دا چې یو اسلامي او افغاني مسوولیت دی؛ بلکې د هغه موافقتنامې غوښتنه هم ده لکه چې د ډېرو امریکا خواخوږو رسنیو او افغانانو د غوغا په خواب کې (دادرس صیب) د تېرې سه شنبې په سهار له بي بي سي راډیو سره په یوه مرکه کې پدې توګه ددغې ځانګړي کمیسیون کار قانوني وباله، چې: د باګرام زندان د دغو بندیانو د سپارلو پر مهال چې کومه موافقتنامه تر سره شوې، د هغې له مخې دغه درې ټکي په نظر کې نیول شوي او پر اساس یې دغه کمیسون خپل کار انجاموي:

۱- د موافقتنامې له مخې د یو شمیر هغو بندیانو لپاره چې پرې د جرم د الزام ثبوت نشته، باید د هغوی دوسیې وڅېړل شي او د څېړنې په رڼاکې یې راپور وړاندې کړای شي.

۲- دغه کمیسیون د موافقتنامې له مخې رامینځته شوی؛ ځکه چې امریکایانو د ټولو بندیانو په هکله د جرم د ثبوت اسناد د بندیانو د سپارلو پرمهال دولت ته ندي سپارلي.

۳- کمیسیون هیڅوک د عدلي او قضایي تعقیب پرته آزاد کړي ندي او د یو چا د د څارنوالۍ لخوا د تعقیب او محاکمې موضوع هغه مهال مطرح کیږي چې پرې په جرم کې د ککړتیا د ثبوت الزام رامینځته شوی وي او هغه څوک چې تراوسه پرې دا الزام نه وي ثابت شوی، د هغه یوازې آزادول حق ندی؛ بلکې د حیثیت اعاده یې هم حق دی او له ثبوت وړاندې هر انسان اصلاً بریٔ الذمه دی چې د همدغو حقایقو په رڼا کې ټاکلی شوی کمیسیون خپل کار انجاموي او دا کار په هیواد کې د سولې لپاره ستره اړتیا ده او دا چې که څوک د آزادیدلو وروسته د مخالفینو صفونو ته ځي نو دا ضمانت خو نه حکومت ورکولای شي او نه یې عدلي او قضایي ارګانونه؛ بلکې د هغې مخنیوې پدې سره کیږي چې زندانونه د شکنجو پر ځای روزنتونونه وګرځي څو د آزاد شوو بندیانو د وسله والو مخالفینو صفونو ته د ورتګ لاملونه ورک شي او هم دولت کې دننه د اداري فساد هغه مور مړه شي چې افغانستان یې په نړۍ کې له ټولو فاسد هیواد ګرځولی، ضوابط په روابطو حاکم شي او د هر مجرم او خاین سره په حساب کولو ټولنیز عدالت مینځته راشي او .....



همه پرسی قانون اساسی در مصر

□ تکساری

کمیتهٔ اصلاح قانون اساسی مصر سرانجام با افزودن ۴۲ مادهٔ جدید در قانون اساسی به روز های ۲۴-۲۵ جدی به همه پرسی گذاشته شد. در این قانون حق آموزش و بهداشت به عنوان حقوق اساسی و حق آزادی بیان حفظ شده است. در این قانون تاسیس هرگونه حزب دینی ممنوع گردیده است.

عبدالفتاح السیسی جریان اسلام گرایان؛ به ویژه اخوان المسلمین را به عنوان تروریست و قانون شکنان یاد می نماید و مبارزه با آن ها را برای خود یک وجیبهٔ ملی می خواند. در این همه پرسی طرفداران محمد مرسی دست به اعتراض زده و آن را تحریم نمودند و از مردم خواستند، تا آن را نیز تحریم نمایند؛ زیرا رئیس جمهور قانونی مصر محمد مرسی است و باید وی این همه پرسی را اشراف و مدیریت نماید. طرفداران حکومت انتقالی پس از مرسی که در نتیجهٔ یک کودتا در مصر به وجود آمد، به این همه پرسی امید بسته اند، تا در صورت اشتراک اکثریت مردم، این حکومت را مشروعیت بخشند و بر مخالفان خویش پیروز گردند.

این نخستین رای گیری پس از سرنگونی محمد مرسی در ماه جون سال گذشته است که به موجب آن رئیس جمهور منتخب به زندان افگنده شد. این همه پرسی تحت پوشش بزرگ امنیتی برگزار گردید و در این همه پرسی دو صد هزار پولیس و ۱۶۰ هزار از افراد ارتش کمربند های امنیتی را به هدف این همه پرسی به وجود آورده بودند، که در تاریخ مصر بی سابقه می باشد. در روز نخست این همه پرسی انفجار در مجتمع قضایی قاهره رخ داد که بیانگر نبود ثبات سیاسی در این کشور می باشد. بعد از سرنگونی محمد مرسی طرفداران موصوف به تظاهرات خیابانی دست زده میدان تحریر و سایر شهر های بزرگ را کمتر خلوت گذاشته اند.

از آن تاریخ تا اکنون این کشور دستخوش آشوب گردیده، جنگ و خشونت در شهر های بزرگ این کشور؛ به ویژه سینا نیز سرایت کرده است. نام گزاری حکومت به این گروه به نام تروریست و مباح الدم هیچ کدام نتوانست جریان اعتراضات را خاموش سازد. از آن تاریخ تا امروز ده ها پولیس و افراد ارتش به کام مرگ فرو رفته اند. تبعات منفی این سرنگونی در سراسر این کشور مشهود می باشد و مردم از اوضاع بدی اقتصادی در مصر نگران اند و حکومت انتقالی مسوول این همه تلفات و خشونت ها را به اخوان المسلمین و طرفداران رئیس جمهور اسبق، نسبت می دهند.

رسانه های بین المللی خبر داده اند که در جریان این همه پرسی دست کم ۵ تن کشته شده و درگیری های میان پولیس و تظاهر کننده گان در نقاط مختلف این کشور رخ داده است. جریان اخوان المسلمین این قانون اساسی را که به همه پرسی گذاشته اند به قانون اساسی خونین توصیف نموده است. با برکناری محمد مرسی ارتش مصر قانون اساسی مصر را به حالت تعلیق در آورد؛ زیرا به گفتهٔ ارتش در ترکیب قانون اساسی محمد مرسی اسلام گرایان بیشترین نقش را داشته اند و در صورت تداوم این حکومت شکل گیری یک حکومت دموکرات در مصر از میان می رفت. ارتش در روز های نخست شعار می داد که پس از انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی قدرت به یک حکومت ملکی انتقال داده خواهد شد؛ اما در این روز ها وزیر دفاع انتقالی این کشور می گوید که اگر مردم بخواهند خود را برای احراز پُست ریاست جمهوری نامزد خواهد نمود.

در فبروری ۲۰۱۱م حسنی مبارک از کار بر کنار گردید این پنجمین رای گیری از زمان استفعای محمد مرسی می باشد. این همه پرسی زیر فشارهای بزرگ نظامی صورت گرفته است. بدون شک افکار گروه های مختلف جامعه در آن بی تاثیر می باشد و نتیجهٔ آن مخشوش خواهد بود. یکی از ویژه گی های اساسی این قانون، جدایی دین از سیاست است. این قانون به ارتش مصر صلاحیت بیشتر می دهد و در برخی از موارد بر اساس این قانون پرونده های غیر نظامیان به محاکم نظامی احاله می گردد. قانون اساسی محمد مرسی در سال ۲۰۱۲م به همه پرسی گذاشته شد که در آن ۶۴ درصد آرای شرکت کننده گان آنرا تائید کرد. فقط ۳۰ درصد از واجدین رای دهی در آن همه پرسی شرکت نموده بودند.

ارتش امیدوار است که با کمیت بزرگ اشتراک کننده گان موقعیت اسلام گرایان را تضعیف نماید. پس از سه سال از سرنگونی محمد مرسی، ثبات این کشور بر هم خورده و اقتصاد این کشور ضربهٔ شدیدی را متحمل گردیده است. مردم انتظار دارند که با بازگشت ثبات در این کشور اقتصاد خانواده ها رونق یابد و زنده گی روال گذشته خود را باز یابد. سرنوشت مصر در یک هاله یی از ابهام وجود دارد و تا زمانی که گروه های اسلامگرا از خود چراغ سبز نشان ندهند و حکومت انتقالی به خواسته های آنها نزدیک نگردد، این کشور قادر به باز گشت ثبات سیاسی نخواهد بود. همواره وزیر دفاع این کشور از منطق زور سخن می گوید و شعار می دهد که ارتش این کشور صلح را به مصر باز خواهد گردانید. تجربه نشان داده است که در خاورمیانه ارتش نتوانسته است، صلح را به وجود آورد. بعد از نزدیک به دو نیم سال در سوریه ارتش نتوانست صلح را در این کشور به وجود آورد و بزرگترین شهر استراتیژیک عراق؛ فلوجه و رمادی در اختیار مخالفین عراق قرار دارد و ارتش عراق قادر نیست بعد از خروج امریکا از این کشور صلح را به این سرزمین باز گرداند. این سخنان بلند بالا و افراطی وزیر دفاع که مخالفین خود را تروریست می خواند فقط به آتش جنگ در این کشور دامن می زند نه در جهت صلح. امروز یا فردا این نظامیان به ارادهٔ مردم تسلیم خواهند شد و باب مذاکره را با مخالفان خود باز خواهند کرد و قبل از آنکه تجربهٔ سوریه و عراق در مصر تکرار گردد، باید راه های صلح و تفاهم در این کشور جستجو گردد.



مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض

۲۰جدی:

• مسئولان محلی ولایت ننگرهار گفته اند که دو سازندهٔ ماین هنگام ساخت یک ماین در یک خانه در شهر جلال آباد کشته' و دو زن و یک کودک نیز زخمی شده اند. به گفتهٔ مسئول مطبوعاتی قوماندانی امنیهٔ ننگرهار به رسانه ها، این رویداد قبل از ظهر جمعه در منطقهٔ فامیلی های مولوی خالص رخ داده است. دو فرد کشته شده در حال جمع کردن مواد انفجاری برای ساخت ماین بوده اند که این انفجار به وقوع پیوسته است.

۲۲جدی:

• به گزارش رسانه ها و مقام های امنیتی، در پی حملهٔ انتحاری به موتر سرویس حامل کارمندان مرکز آموزشی پولیس ملی در سرک مسیر پلچرخی کابل، دو تن کشته و ۲۰ تن زخمی شده اند. در میان کشته شدگان یک دانشجوی مرکز آموزشی پلیس و دیگری هم کارمند مرکز آموزشی بوده است و در میان زخمی شدگان، سه زن و سه کودک نیز شامل اند. فرد بمب گذار بر یک بایسکل سوار بوده که موتر حامل کارمندان این مرکز را در بازار محله‌ای موسوم به "قابل بای" هدف قرار داده است.

۲۳جدی:

• از اثر اصابت مرمی هاوان در یک منزل مسکونی در ولسوالی خوگیانی ننگرهار، شش عضو یک خانواده – سه زن و سه طفلی – زخم برداشته است. به قول رسانه ها، این رویداد، حوالی ساعت ۱۱:۳۰ قبل از ظهر ادر منطقهٔ میملهٔ این ولسوالی به وقوع پیوسته است.

۲۴جدی:

• به قول رسانه ها، یک حمله کنندهٔ انتحاری پیش از حمله برخانهٔ یک بزرگ قومی توسط نیرو های پولیس کشته شد. رییس مبارزه با جرایم جنایی قوماندانی امنیهٔ گفته است، این فرد ناوقت دیروز قصد داشت بر خانهٔ محمد علم، یک تن از بزرگان قومی بغلان در کابل، حمله کند. به گفتهٔ وی، حمله کنندهٔ انتحاری پیش از داخل شدن به خانهٔ محمد علم به ضرب گلوله کشته شد. گفته شده محمد علم مخالف طالبان است. در این حادثه به کسی آسیب نرسیده است.

۲۵جدی:

• وزارت داخلهٔ افغانستان اطمینان می دهد که تلاش های کنترول و خلع سلاح افراد مسلح غیر مسوول در شمال این کشور با جدیت تمام ادامه دارند. به گفتهٔ سخنگوی این وزارت، با همکاری قوماندان امنیهٔ جدید قندز شمار افراد مسلح غیر مسوول تثبیت و پلان های خلع سلاح آنها روی دست می باشد. این درحالیست که، ده ها تن باشنده گان ولایت قندز ۲۴ جدی در یک گردهمایی از افزایش افراد مسلح غیر مسوول در چندین ولسوالی این ولایت به شمول خان آباد شکایت کردند. آنها گفتند که این افراد میان خود درگیر شده سبب کشت و خون غیر نظامیان می شوند.

• به گفتهٔ عبدالمنان روفی، یک مقام قوماندانی امنیه جوزجان به رسانه ها، سه تن در جریان برخورد یک ساعته میان پولیس و مخالفین مسلح دولت در ولایت جوزجان کشته شدند. این برخورد در قریهٔ خواجه برهان مرکز شبرغان هنگامی آغاز شد که طالبان مسلح بالای پولیس حمله کردند. دو نفر دیگر در این حمله زخمی شده اند.

• بر اساس خبرنامهٔ دفتر مطبوعاتی ریاست عمومی امنیت ملی، دو دستگاه خود ساخت پرتاب راکت ۱۲ BM معه «۱۱» فیرمرمی آن که درمربوطات لب دریای جمال آغه ولسوالی حصه دوم کوهستان ولایت کاپیسا توسط تروریستان در یک مخفیگاه جابجا و تروریستان قصد داشتند تا با استفاده از آن بالای میدان هوایی بگرام و دیگر تأسیسات دولتی حملات راکتی را انجام دهند توسط مؤظفین ریاست عمومی امنیت ملی کشف و بدست آمده است.

• به گزارش رسانه ها و اینکه از سوی ارگ ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان نیز تقبیح و محکوم گردید، شب گذشته در نتیجهٔ بمباردمان هوایی نیروهای امریکایی در منطقهٔ ساه دره و ازغر ولسوالی سیاه گرد ولایت پروان یک زن و ۷ طفل به شهادت رسیدند و یک فرد ملکی مجروح گردید.

شارون به جهنم ابدی...

شارون از بزرگ ترین ناقضان حقوق بشر بعد از رهبران نازی ها در قرن بیست در هر دو جنگ جهانی اول و دوم محسوب می گردد. او پیوسته مردمان مظلوم را مورد هجوم قرار می داد و بر میزان جنایت هایش می افزود. مرگ شارون نه تنها موجبات تنفر فلسطینی ها را فراهم نمود؛ بلکه وی در ردیف جنایت پیشه گان قرن بیست محسوب گردید. تمام رسانه های بین المللی وی را قاتل مردم فلسطین خواندند و به عنوان یک چهرهٔ منحوس و ننا به کار در تاریخ مبارزات مردم فلسطین و سایر مبارزان جهان در راه آزادی و اعاده حقوق بشر به حساب آوردند.

جای دارد که حامیان حقوق بشر وی را به عنوان بزرگ ترین قاتل مردم فلسطین به جهانیان معرفی نمایند؛ زیرا مردم علاقه دارند که جنایت پیشه گان زمان خود را بشناسند، تا بر آن نفرین بفرستند و این شارون سزاوار نفرت جهانی می باشد. نفرین آزادی خواهان، حامیان حقوق بشر و مردمان فلسطین بر وی تا سال های سال ادامه خواهد داشت. همان گونه که مسلمانان از وسوسه شیطان به خداوند"ج" پناه می جویند، از خداوند متعال می خواهیم تا این شیطان بزرگ را به کیفر اعمالش برساند و آینده گان ما را از وجود چنین طاعوت ها نجات دهد. بدون شک قرآن کریم سرنوشت چنین جنایت پیشه گان را جهنم خوانده است و خداوند"ج" سرنوشت سایر جنایت پیشه گان را واضح ساخته است. نفرین بر جنایت پیشه گان، قاتلان و جنایت کارانی که امروز مخلوق خدا "ج" را همه روزه شکار هوس های شخصی خویش می سازند.

امضای پیمان امنیتی پاسخ مثبت...

جبران ناپذیری را در پی داشته باشد. تیره تر شدن روابط امریکا و افغانستان بستگی به دیدگاه های متضاد طرفین دارد که هر کدام می خواهند با این گونه چانه زنی ها به منافع راهبردی خود دست یابند.

از سوی دیگر پرسش های دیگری نیز است که آیا با امضای این سند تنش‌ها فروکش خواهد کرد؟ از آن جایی که امضای این سند از سوی رئیس جمهور به گروگان گرفته شده است، در تازه ترین اظهارات، گفته است که مذاکرات حکومت با امریکا در بارهٔ شرایط موافقتنامهٔ امنیتی هنوز ادامه دارد و به نتایج قابل ملاحظه دست نیافته اند. در حالی که چندی قبل دیدگاه دیگری نیز وجود داشت و گفته شده بود که پیش فرض های ریاست جمهوری از سوی امریکایی ها پذیرفته شده است. آقای کرزی بار ها گفته است که قطع عملیات جنگی بر خانه‌های مردم و آغاز عملی روند صلح از شروطی هستند که او برای امضای این موافقتنامه گذاشته است. اما خیلی ها باور دارند که حامد کرزی با استفاده از این بازی در پی رسیدن به منافع و اهداف شخصی و گروهی خود می باشد.

دو نیم ماه پیش وقتی لویه جرگهٔ مشورتی نظریات نهایی خود را مبنی بر امضای پیمان میان افغانستان و امریکا صادر کرد، رئیس جمهور از امضای این سند خود داری کرد. از سوی هم فشارهای داخلی مبنی بر امضای این پیمان به رئیس جمهور افزایش یافته است. تازه ترین نظر سنجی ها نشان می دهد که اکثریت مردم ا فغانستان خواهان امضای این سند هستند. در یک نگاه کلی، نگرانی ها و چالش های عمده فرا راه مردم افغانستان حد اقل طی سال های آینده کماکان وجود دارد و در صورت امضا و عدم امضا، این چالش ها کماکان سد راه مردم خواهد بود. با این تفاوت که امضای این سند می تواند برای عدهٔ زیادی دلگرمی ایجاد کند و یک مقدار بار سنگین مصارف را در جبههٔ جنگ به عهده بگیرد و سرنوشت افغانستان را با منابع قدرت و ثروت گره خواهد زد.

بنګله دیش له ټاکنو وروسته له ...

ګتهي او کله بله. خو توپیر یې تر مینځه دومره دی چې دشیخ مجیب الرحمن لور حسینه واجد چې دا مهال هم صدر اعظمه ده، له نورو سیاسي ګوندونو سره د تعامل لیار نه خپلوي او پر خلاف یې خالده ضیاء بیاله نورو ګوندونو سره هم. دتعامل دسیاست پلوی، ده چې دهغې یو ثبوت دا مهال دحسینه واجد په صدراعظمی کې تېره اونی، پدغه هیواد کې دترسره کېدونکو ټاکنو پرخلاف دشلو په شاوخوا کې ګوندونو له ټاکنو څخه پرېکون وو. چې دنورو سربېره دوه مهم ګوندونه یکې دخالده ضیاء ګوند او جماعت اسلامي اسلامپال ګوند شامل دي.

دوروستي ګوند پر خلاف دحسینه واجد په واکمنی کې دتشدد څپه همیش را اوچتېږي او دهغې علت هم له پاکستان څخه دختیځ پاکستان په جلاکېدو د دواړو ګوندونو تر منځ نظري اختلاف دی چې دشیخ مجیب الرحمن دریځ (بنګله دیش جلاکول) دجماعت اسلامي په وړاندې یو اسلام ضد عمل وو؛ ځکه دهیواد تجزیه د پاکستان ځواک ته زیان رسولو. او حسینه واجد دخپل پلار له سیاست څخه په پېروی، کې دګاونډي هندوستان په ګټه او دامهال دنړیوال استکبار په توطیؤ عمل کوي.

نږدې دوه کلونه وړاندې د اوباما او نورو امریکایي مقاماتو دجنوبي هیوادونو څخه له لیدني وروسته چې بنګله دیش ته هم تللی وو، دغه هیواد سره داقتصادي همکاری، وروسته د حسینه واجد او دهغې پلارني سیاست څپې یوځل بیا دجماعت اسلامي پرخلاف را اوچتې شوې چې په لړکې یې ددغه ګوند دلاربنود مولانا عبدالقادر پرخلاف دوسیې هم جوړې او نوموړی یې اعدام هم کړ. چې له یونیم کال راهیسې ددغه ګوند دحسینه واجد حکومت پرخلاف دپټ پټوني (دحکومت لخوا دټکولو او جماعت اسلامي لخوا مخالفت او بغاوت) څپه روانه ده، چې دبنګله دیش اقتصاد هم ورسره خرابېږي.

دخالده ضیاء او جماعت اسلامي دګوندونو په شمول د شلو ګوندونو ایتلاف ته د حسینه واجد لخوا ټاکني ترسره کول تر څو چې یو عبوري حکومت ته یې واک نه وي سپارلې، دمنلو وړ نه دي نو ځکه که څه هم حسینه واجد ټاکني ترسره کړي خو یکې له سلوزیات ټاکنیز مرکزونه د اپوزیسیون دپراخه مخالفت لامله وسوځولی شو او په ټاکنو کې د ګډون سلنه هم ډېره ښکته ده چې لامله یې ټاکني له پوښتني لاندې راوستې دي. او بنګله دیش هیواد یې له بحران سره مخ کړیدی. چې لامله یې اوس په سیمه ایزه او نړیواله کچه داهسې هم روانې دي څو د دوه ویشت کلونو راهیسې دبنګله دیش په سیاست واکمنو دغو دوه وو ښځو (خالده ضیاء او حسینه واجد) تر مینځه څه جوړ جاړی وشي؛ ځکه بنګله دیش دسیمې له ډېرو غریبو هیوادونو څخه ګڼل کېږي او سیاسي ناآرامي او بې ثباتي یکې دسیمې دهیوادونو لپاره بحران هم راولاړولای شي. نو سره ددې چې د حسینه واجد تر واکمنی، لاندې ټاکنو تر سره کېدل پراخه اپوزسیون ته دمنلو وړ نه دي خو خپل ګاونډي اسلامي هیواد (پاکستان) سره دمجیب الرحمن دوارثې حسینه واجد دځینو نورو مطرحو بنګله دیشي سیاستوالو په پرتله ترینګلي اړیکې د هندوستان او نړیوال استکبار په ګټه ګرځېدو لامله نړیواله ټولنه لکه دمصر په سیاسي وضع دلته هم چپ ګرځولې ده. او پاکستان هم لدې امله چې دناآرامیو ددوام لامله په رامینځته کېدونکي بحران کې دوې ته زیان ونه رسیږي په هغومره کچه یې مخالفت نکوي څومره چې ورته مطلوب دی. خو پدې ټاکنو کې دګډون سلنه او دشلو تربریده دسیاسي ګوندو له ټاکنو څخه پرېکون پردې دلالت کوي چې دغه ټاکني نه شفافې دي او نه په دموکراسی، ولاړې دي او ښایي چې بنګله دیش له بحران سره مخ کړي، هغه هیواد چې اقتصادي وضع یې دجنوبي آسیا له هیوادونو څخه له بل هر هیواد څخه ډېره خرابه ده.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ چهلم ۲۸ جدی ۱۳۹۲ ۱۶ربیع الاول ۱۴۳۵- 18 January 2014

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشــه هــای مقــالات غیــر از ســرمقاله لزومــاً مبــین آرا ومواضــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

بنگله دیش له ټاکنو وروسته له بحران سره مخ



■ رفیق بحر

بنگله دیش د اسلامي نړۍ له ډېر نفوسو هیوادونو څخه یو ګڼ میشتی هیواد دی چې د نفوس له مخې په نړۍ کې اتم دوارو څخه دهریو د صدراعظمۍ ځای لري او له یونیم سل ملیونو څخه ډېر نفوس لري. دغه هیواد په ۱۹۷۱ م کال د پاکستان د ذوالفقار علی بوټو او د بنگله دیش د شیخ مجیب الرحمان دڅوکۍ لپاره په نومانده دتینگار لامله له پاکستان څخه جلا شو؛ ځکه د شیخ مجیب الرحمن دریځ وو چې د صدراعظمۍ څوکۍ باید د ختیځ پاکستان سره وي او د بل پلوه بوټو لخوا اصرار په خپله صدراعظمۍ ددې لامل شو چې د هندوستان سره په گاونډ کې نوی جوړ شوی اسلامي هیواد (پاکستان) دلویدیځ او ختیځ پاکستان په نومونو سره جلا او ورسته یو پاکستان او بل بنگال وگرځیده. چې دامهال هم ددغه هیواد په سیاست کې د دوه ووبنځو شیخ حسینه واجد چې د شیخ مجیب الرحمن لور ده او دخالده ضیاء چې دبل پخواني واکمن ضیاء الرحمن لور ده، تر مینځه د دوه ویشت کلونو راهیسې سیاسي سیالي روانه ده. چې کله یوه دهیواد د صدراعظمۍ څوکۍ ۷مخ

۴۱۴ مرکز رای دهی انتخابات نا امن اعلام شد

◇ ثامر

یکی از چالش های عمدهٔ سر راه انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی ۱۳۹۳، که قرار است به تاریخ ۱۶ حمل برگزار گردد، امنیت است که بدون تأمین امنیت شهروندان کشور نخواهند توانست پای صندوق های رأی بروند و در این پروسهٔ ملی اشتراک نمایند. پیش از این، کمیسیون مستقل انتخابات از نهاد های امنیتی خواسته بود تا مناطق امن و نا امن مراکز را تثبیت و به اطلاع برسانند تا این کمیسیون بتواند در امور مربوط رسیدگی به وقت نماید. سرانجام، نهادهای دفاعی و امنیتی کشور در یک نشست مشترک خبری – شنبه ۲۱ جدی ۱۳۹۲– اعلام کردند که از ۶۸۴۵ مرکز رای دهی که فهرست آنها از سوی کمیسیون انتخابات افغانستان به نهادهای امنیتی داده شده بود، این نهادها قادر به تامین امنیت ۶۴۳۱ مرکز رای‌دهی خواهد بود. بناءً آنها قادر به تامین امنیت ۴۱۴ مرکز رای‌دهی به دلیل تهدیدهای امنیتی در روز انتخابات نخواهند بود.

جنرال مراد علی مراد، فرماندهٔ نیروهای زمینی اردوی ملی، با اشاره به اینکه تهدیدهای امنیتی یک چالش بزرگ در برابر انتخابات خواهد بود، تاکید کرد که نیروهای امنیتی افغانستان تا آخرین توان تلاش خواهند کرد تا مردم بتوانند بدون ترس به پای صندوق‌های رای بروند و از این حق خود استفاده کنند. آقای مراد گفته است، برای تامین امنیت ۴۱۴ مرکز رای‌دهی که با تهدید مواجه هستند، نهادهای امنیتی برنامه دارد که یا امنیت این مراکز را تامین کند و یا اینکه از کمیسیون انتخابات بخواهد که این مراکز رای‌دهی را به مکان های دیگری منتقل کند.

به گفتهٔ صدیق صدیقی سخنگوی وزارت امور داخله، در مقایسه با انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ که در حدود ۹۰۰ مرکز رای‌دهی در افغانستان بسته ماند، کاهش تعداد مراکز که بسته باقی می‌ماند، نشاندهندهٔ افزایش توانمندی نیروهای امنیتی را نشان می دهد. آقای صدیقی نیز درباره چالش‌های انتخابات گفت که طالبان تلاش خواهند کرد تا روند انتخابات ریاست جمهوری را به چالش بکشند ولی نیروهای امنتیی افغان از تجارب لازم برای تامین امنیت برخوردار اند.

به گفتهٔ نهادهای امنیتی، بررسی وضعیت امنیتی را مراکز رای دهی، از شش ماه پیش آغاز کرده اند و مراکزی که در برخی ولایات با تهدیدهای امنیتی روبرو بودند، با راه اندازی عملیات نظامی میزان تهدیدها را کاهش داده اند.

جنرال عظیمی سخنگوی وزارت دفاع سال جاری را امتحان بزرگ برای نیروهای امنیتی افغان دانسته گفت که، انتقال مسوولیت امنیتی و واگذاری فرماندهی عملیات نظامی به نیروهای امنیتی افغان یکی از چالش های بزرگ بود ولی در عوض این چالش‌ها، نیروهای امنیتی افغانستان را توانمند ساخت.

از آنجایی که انتخابات پیش رو، و انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی به شیوهٔ مدنی از طریق آرای مردم، برای کشور و مردم افغانستان سرنوشت ساز می باشد، نا امنی انتخابات یکی از بزرگترین نگرانی هاست که در این پروسهٔ ملی اثرگذار است. شفافیت انتخابات نیز بستگی به امنیت دارد زیرا در فضای نبود امنیت است که تعدادی مردم از حق استعمال رأی شان محروم می گردند اینجاست که تقلب راه باز می نماید.

امیدواری بر این است تا نیروهای امنیتی کشور بتوانند تا روز انتخابات، تهدید های وانمود شده را کاهش دهند و یا جلو رشد نا امنی ها را بگیرند. در سال جدید خورشیدی، که مسوولیت سراسری امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای امنیتی کشور تعلق می گیرد، انتخابات برگزار می شود، نیروهای امنیتی و دفاعی کشور در برابر یک آزمون کلان ملی قرار دارند.

امضای پیمان امنیتی پاسخ مثبت به افکار عمومی

□ اندیشه

موضوع امضای پیمان امنیتی با امریکا طی ماه های اخیر به مباحث مهم حلقات سیاسی و افکار عمومی تبدیل شده است. برخی نمایندگان مجلس به رهبری خانم فوزیه کوفی نمایندهٔ مردم بدخشان که تعداد شان به ۳۰ نفر می رسید با جمع آوری امضا به هدف وارد نمودن فشار به حامد کرزی مبنی بر امضای این سند خواستار آن شده اند، تا این موضوع در آجندای جلسهٔ عمومی مجلس نمایندگان درج شود.

هیئت اداری مجلس وعده داده است که موضوع را در مجلس مطرح و پیش از رفتن به رخصتی های زمستانی در مورد اقدامات لازم و بنیادین صورت گیرد. قرار است مجلس نمایندگان به رخصتی های زمستانی برود و در صورتی که این طرح پیش از رفتن به رخصتی های عمومی راه حل پیدا نکند، ممکن است موضوع به سال آینده موکول گردد. حامد کرزی نیز باری گفته بود که این سند را جانشین او هر کسی که باشد به امضا برساند. در عین حال تعدادی از شهروندان کابل روز سه شنبه در یک گردهمایی اعتراض آمیز از رئیس جمهور خواسته اند تا سند امنیتی را با جانب امریکا به امضا برساند. آنان در محوطهٔ مجلس نمایندگان به شکل نمادین جمع شده بودند و قلمی را که یک و نیم متر طول و پنجاه سانتی قطر داشت به رئیس مجلس نمایندگان تسلیم دادند تا به رئیس جمهور به هدف امضای این سند تسلیم نماید.

امضای این پیمان از آن جا مهم است که مردم افغانستان نیاز دارند، تا بخاطر آرام دارای متحد راهبردی باشند و از این طریق به منابع قدرت، دانش و ثروت دنیا گره ناگسستنی داشته باشند. بدون شک در صورتي عدم امضای این پیمان افغانستان نه تنها چانس خوب را از دست می دهد، بلکه به آیندهٔ مبهم و پر از چالش رو برو خواهد شد. از سوی دیگر جانب امریکا نیز خواهان امضای این سند با افغانستان است. افغاستنان و دست آورد های اخیر این کشور نه تنها برای مردم مهم است، بلکه برای متحدان غربی نیز از اولیت فوق العاده برخوردار است.

سفرهای پی در پی مقامات غربی و چانه زنی های آنان دال به این واقعیت است. جان مکین سناتور جمهوری خواه و از رهبران سنای امریکا همراه لنزی گراهام آخرین پیام امریکا را مبنی بر امضای قرارد داد امنیتی به حکومت افغانستان چندی پیش توضیح داد. هر دو مقام امریکایی با ارائه ای دیدگاه ها و نظریات مشترک مثل گذشته تأکید کرده اند که دولت افغانستان باید امضای پیمان امنیتی را با جانب امریکا تا یک ماه دیگر به امضا برساند.

پیش از این نیز مقامات امریکایی طی سفرهای که به کابل داشتند تصریح کرده بودند که باید امضای این پیمان تا پایان سال گذشتهٔ میلادی به امضا برسد. جان مکین گفته است آمریکا نمی خواهد آن چه در عراق اتفاق افتاد در افغانستان هم تکرار شود. حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان گفته است تا شرایط افغانستان برای امضای موافقتنامهٔ امنیتی با آمریکا تحقق نیابد این سند را امضا نمی کند. مهم ترین شرایط رئیس جمهور تأمین صلح امنیت و توقف عملیات نظامی ناتو با هدف قرار دادن مناطق مسکونی، می باشد.

جنجال ها از دو ماه بدینسو بر سر امضای این سند ادامه دارد و هنوز معلوم نیست که حاکمیت فعلی این سند را امضا خواهد کرد یا خیر؟. رئیس جمهور تاکنون از امضای پیمان امنیتی به هر دلیلی که بوده خود داری کرده است. مقامات امریکایی تهدید کرده اند، در صورت عدم امضای این پیمان حضور ۸ هزار نیروی نظامی امریکایی را که قرار است پس از سال ۲۰۱۴، در افغانستان باقی بمانند، از این کشور بیرون خواهد کردند. البته حامد کرزی نسبت به عملی کردن این تهدید از سوی امریکایی‌ها نیز ابراز تردید کرده است و گفته است که امریکایی ها از این کشور خارج نمی شوند و بگذارید که شرایط خود را بالای آنان بقبولانیم.

عدم امضای توافق نامهٔ امنیتی روابط هر دو متحد جنگ علیه تروریسم را از مدت ها بدینسو به پرسش مواجه ساخته است. تیرگی روابط بین دو طرف نه تنها نگرانی مردم افغانستان را بر انگیخته، بلکه مبارزه با تروریسم و آیندهٔ همکاری بین این دو همکار استراتژیک را هم به چالش کشیده است.

از نگاه کارشناسان مسایل سیاسی، تنش در روابط افغانستان با غرب از جمله امریکا می تواند زیان هایی ص۷